

ضرورت نهادینه کردن گفتمان شهروندان و حاکمان کشور فدا نمودن صلح بلند مدت در قبال اهداف امنیتی کوتاه مدت عقب نشینی های و اشنگتن در لحظه های حساس

انزوای افغانستان و افزایش خطرات امنیتی در منطقه
تلاش ها بخاطر غارت بردن دارایی های کشور
چگونگی مواجه گردیدن با بحران هویت
خریدن فرصت بمنظور تثبیت قدرت

اصل نهادینه کردن گفتمان شهروندان و حاکمیت در کشور، مستلزم گذار از رویکردهای دستوری به تمایلات برابر و ساختارمند می باشد. این مهم از طریق اقداماتی نظیر اصلاح قوانین، تضمین حق اعتراض، تقویت نقش نهادهای مدنی، افزایش شفافیت آراء و عملکردها و راه اندازی میزهای گرد تخصصی در رسانه های ملی قابل تحقق می باشد. ایجاد و تقویت این بستری ارتباطی از راهای زیرامکان پذیر می باشد: اصلاح ساز و کارهای مشارکت سیاسی و مدنی، تضمین حق اعتراض، حمایت از نهادهای مدنی، حق دسترسی آزاد با اطلاعات، پاسخ گویی بی واسطه مسئولان، تغییر رویکرد رسانه ها و توسعه فضای گفتگو، رسانه های فراگیر و چند صدایی، گفتگوهای مسأله محور، برگزاری نشست های تخصصی میان دولت و جامعه مدنی بمنظور حل معضلات اندیشه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با مشارکت همه ذینفعان، شناخت و برسمیت شناختن تنوع دیدگاههای جامعه از جانب نهادهای حاکمیتی، نخستین گام بمنظور باز سازی اعتماد عمومی و جلوگیری از بروز شکاف های عمیق تر اجتماعی می باشد. اصل گفتگو بمنظور نایل گردیدن بفهم و معنای مشارک و کاهش شکاف میان جریان های فکری و سیاسی و اجتماعی. نباید گفتگو را صرفن سیاسی و میان شهروندان و حاکمیت موجود در محدوده اراضی کشور تلقی و توصیف نمود. گاهی وقتی از مقوله گفتگو صحبت در میان باشد، در واقع از یک باور یا گفته بسیا ری ها از "اقتصاد" حرف میزنیم، آگاهی از یک رهیافت بر بنیاد تجربه با نگاهی ناکارآمدی آن و الترناتیف های گفتگو بر پایه نظری و عملی صحبت می نماییم.

نیشته حاضر، به بررسی و مطالعه همه جانبه نهادینه شدن تعاملات بین نهادهای حاکم و گروه های مختلف شهروندان کشور، بویژه پس از مدت زمان بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور بدینسو اختصاص داده شده است. از آنجایی کاصل شریعت بمنابۀ پایه و بنیاد ساختار اجتماعی - سیاسی حاکمیت کنونی در کشور معرفی گردیده است، اما رویکردهای اجتماعی- فرهنگی و ارزشی آن بگونه ای در موضوع مربوط به دولت سازی تمرکز می نماید. از جمله مسایل و موضوعات مشکل ساز و چالش زاء در فرایندهای سیاسی حاکمیت "طالب" ها، یکی هم اینکه وعده "دموکراتیزه کردن روابط اجتماعی" که در آغاز رویکار آمدن مجدد شان اعلام نمودند، تا کنون از قوه بفعل مبدل نگردیده است. امر فوق قبل از همه و بیش از سایر موارد، در پشت پازدن بر عایت حقوق و آزادی های بانوان کشور و اعمال مجازات هایی بر بنیاد اصول و موازین شریعت تبلور یافت. ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه حاضر درین واقعیت نهفته می باشد که جنبه های اصلی و عمده مشکل آفرین که مشخص کننده فرایندهای سیاسی افغانستان مدرن، عمدتاً مربوط به سیاست های داخلی و خارجی "امارت اسلامی افغانستان" می باشد، مورد مطالعه و بررسی همه جانبه قرار داده شده است. درین عرصه قابل یاددهانی پنداشته می شود که عمده ترین و مهمترین مشکل سیاست خارجی افغانستان،

از جمله یکی هم عدم برسمیت شناختن حاکمیت کنونی کشور در عرصه بین المللی پنداشته می شود. اما جامعه بین المللی چنین میبندارد کاصل همکاری با افغانستان با در نظر داشت واقعیت های جدید باید در نظر گرفته شود. چه، از جمله خواسته های جامعه بین المللی، یکی هم اینست که پایه گذاری و تشکیل دولت دموکراتیک و فراگیریکه در بر گیرنده همه گروه های قومی - نژادی و سیاسی در کشور باشد، باید در دستور کار قرار داده شود. با وجود آنکه "طالب" ها پس از بدست گرفتن قدرت، و عده انجام عملی چنین مأمولی را بجامعه جهانی سپردند، اما در امتداد زمانی قبلی، چگونگی موضعگیری ها و عملکردهای "طالب" ها با وضاحت کامل نشاندهنده این امر میباشد کآنها بدنبال استحکام بنیاد یک دولت کاملن اسلامی می باشند. آنها با عملکردهای شان، تمامی تلاش های جامعه بین المللی مبتنی بر پایه گذاری و تشکیل دولت سیکولار و مدرن را خنثا نمودند.

درباره مسایل مشکل ساز در عرصه مناسبات داخلی کشور و چگونگی فرآیند های سیاسی آن، مهمترین موارد آن باید مشخص گردد کاز جمله می توان پشت پازدن بحقوق و آزادی های بانوان کشور، اعمال مجازات های سنگین آنهم بر بنیاد اصول شریعت، گسترش تولید و قاچاق مواد مخدر، شکل گیری فاجعه انسانی در کشور و...، نامبرد. ریشه همه معضلات یاد شده، عمدتاً درین امر نهفته می باشد که "طالب" ها، ساختار اجتماعی - سیاسی کشور را بر بنیاد شریعت استوار نمودند. مدل حاکمیت یاد شده در کشور، بخودی خود، بمفهوم کنار گذاشتن حاکمیت نظام پارلمانی دموکراتیکی می باشد که قبلن در کشور موجود بود. "طالب" ها پس از تصرف قدرت، آمادگی شان را بمنظور همکاری با جامعه بین المللی اعلام نمودند، اما از آغاز بحاکمیت رسیدن مجدد "طالب" ها، امر یاد شده محقق نشده است. درین مقطع لازمی بنظر میرسد که عوامل اصلی و انگیزه های عمده و مشکل ساز در فرآیندهای داخلی کشور را در چارچوب عوامل ارزشی و اجتماعی - فرهنگی جستجو نموده و مورد بررسی قرار دهیم، از جمله:

- عدم رعایت حقوق و آزادی های بانوان کشور، چه، با بقدرت رسیدن "طالب" ها، ممنوعیت ها و محدودیت های دست و پاگیری در قبال بانوان کشور بمنصه طبق قرار داده شد که در گام نخست در برگیرنده ممنوعیت تحصیل، آمو زش، کار و اشتغال بانوان در زندگی اجتماعی می باشد. زمانی که "طالب" ها بقدرت برگشتند، از انعطاف پذیری های گروه یاد شده در قبال بانوان کشور خبر دادند، اما در نهایت امر و در نتیجه کار، به تفسیر سختگیرانه ای از اسلام در قبال بانوان کشور که مشخصه شیوه حاکمیت آنها در امتداد زمانی ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹ بود، رو آوردند که در نتیجه آن بانوان کشور بتدریج از حضور در عرصه های اجتماعی محروم گردیدند. اما خبر غیرمنتظره از جمله یکی هم این بود که در امتداد ماه حوت سال ۱۳۸۰، دختران کشور از ادامه تحصیل در پوهنتون ها و مدارس عالی محروم گردیدند. بر بنیاد اظهارات "طالب" ها، محدودیت های یاد شده پس از ایجاد محیط اسلامی در مراکز آموزشی کشور لغو خواهد گردید. همچنان در امتداد سال یاد شده، تحصیلات دانشگاهی بانوان کشور بگونه نامحدودی بحالت تعلیق قرار گرفت. دلایل ممنوعیت یاد شده بشرح زیر مطرح گردید:

- دانش آموزان دختر در کشور، اغلبن حجاب مورد نظر را رعایت نمی نمودند؛

- دختران بدون موجودیت همراه پسر بمحلات آموزشی حضور بهم می رساندند؛

- آموزش مختلط دختران و پسران با ضوابط اسلامی مغایرت داشت و...

در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، رهبر "طالب" ها، فرمانی مبنی بر حمایت از حقوق و آزادی های بانوان کشور صادر نمود. بر بنیاد فرمان یاد شده، ازدواج اجباری و خلاف میل بانوان ممنوع گردیده و در صورت مرگ همسر، از سهم بانوی متوفی از اموال بجا مانده و از تعیین همسر جدید و انتخاب سرنوشتش تذکراتی بعمل آمده بود. بالاینهمه، چنانچه در عمل ثابت گردید، از جمله یکی هم اینکه، همه موارد گفته آمده بمنصه تطبیق قرار نگرفته و مشارکت بانوان در حیات اجتماعی - سیاسی کشور نیز در هاله ای از ابهام قرار گرفت. علاوه برین، مواردی از بقتل رساندن بانوان بدلیل امتناع از پوشیدن برقع نیز وجود دارد. "طالب" ها در آینده ها، بانوان کشور را ناگزیر به تداوم حبات و پیشبرد زندگی مطابق با احکام شریعت خواهند نمود که خود بمفهوم زندگی اجتماعی و سیاست بدون سهمگیری بانوان کشور می باشد. در نتیجه، محدودیت های ایجاد شده منجر به کاهش همه جانبه نقش بانوان در مجموع حیات اجتماعی - اقتصادی کشور گردید.

همچنان در امتداد سال های ۱۳۷۸ - ۱۳۹۷، سهم بانوان شاغل در کشور افزایش حاصل نمود. در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، رقم یاد شده به ۱۵ درصد کاهش یافت. در عین حال، "طالب" ها اطمینان دادند که در وضعیت و حالت رعایت حجاب، به بانوان کشور اجازه کار و سهمگیری در امور اجتماعی داده شده و حقوق و آزادی های آنها احترام خواهد گردید. اما در ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی، مقامات "طالب" ها بهمه سازمان های غیردولتی محلی و بین

المللی اکیدن دستور دادند تا از اشتغال بانوان جلوگیری بعمل آید. مسأله یادشده چنین توجیه گردید که عده ای از بانوان، اجرای عملی پوشش حجاب را رعایت ننموده و در نتیجه، هنجارهای اسلامی توسط آنها نقض میگردد. اما کشورهای بیشمار چنین تقاضا می نمایند تا حداقل، ممنوعیت اشتغال بانوان در سازمانهای غیردولتی رفع گردد. تصمیم "طالب"ها مبنی بر ممنوعیت اشتغال بانوان کشور در سازمان های غیرانتفاعی ملی و بین المللی را بمثابة "اقدام بی ملاحظه و خطر آفرین" خوانده اند، زیرا حیات میلیون هاتن از شهروندان افغان را که حیات و ممات آنها بکمرک های بشردوستانه وابسته میباشد، بخطر مواجه می سازد. بانوان کشور در انجام مؤفقاته عملیات بشردوستانه از نقش محوری برخوردار می باشند. اگر آنها از مشارکت و سهمگیری در امور یادشده بازنگهداشته شده و منع گردند، مقام های دولتی قادر نخواهند بود تا بآسیب پذیرترین گروه ها و اقشار مستحق دسترسی پیدا نموده و بآنها غذا، دارو سایر کمک های اولیه مورد نیاز را ارائه نمایند.

سازمان ملل همچنان خواهان رفع ممنوعیت اشتغال بانوان در بخش های بشردوستانه و همچنین خواهان حضور آنها در مدارس، دانشگاه ها و سهمگیری و مشارکت آنها در زندگی عمومی گردیده و اعلام نمود که برخی از برنامه های حیاتی در افغانستان بحالت تعلیق درآمده و ممکن یک سلسله از برنامه های مورد نظرنیز لغو گردد. در مورد اجرای احکام اعدام آنها بر بنیاد شریعت باید افزود که در امتداد ماه عقرب سال ۱۴۰۱ خورشیدی، هیبت الله آخوند زاده بمثابة رهبر "طالب"ها به قضات کشور دستور داد تا در اجرای عملی احکام یادشده بر بنیاد شریعت در کشور پیشگام گردند. برین بنیاد، اعدام درملای عام، سنگسار، قطع اعضای بدن، رستم بمثابة مجازات مجرمین درکشور احیا گردید. علاوه برین، در امتداد ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی، بتعداد ۳۰ تن، از جمله بتعداد ۱۵ تن از بانوان کشور را بجرم "فساد اخلاقی" در ولایت بدخشان و درملای عام بشلاق بستند.

در امتداد ماه ثور سال ۱۴۰۱ خورشیدی، "طالب"ها کشت، قاچاق و مصرف مؤاد مخدر را ممنوع اعلام نمودند، اما با اینهمه، چنانچه تجربه باثبات رسانیده است، "طالب"ها فقط و فقط، قصد نابودی مزارع خشخاش را دارند. بنابراین، علیرغم اطمینان "طالب"ها در مورد "ممنوعیت تولید مؤاد مخدر"، مساحت اراضی کشت و زرع خشخاش در کشور، بویژه در سال ۱۴۰۱ خورشیدی افزایش حاصل نمود.

وضعیت کشور عزیز ما، بویژه در امتداد زمانی پسین، بگونه قابل توجهی بد و بدتر گردیده، هیچگونه سیستم بانکی فعالی در کشور عملن موجود نمی باشد، اقتصاد نیز از پویایی های لازم برخوردار نبوده و متأسفانه کشور عزیز ما در شرایط و وضعیت کنونی، در اختاپوت فاجعه انسانی دست و پا می زند. وضعیت ناگوار یادشده با بقدرت رسیدن مجدد حاکمیت کنونی در کشور، بدو بدتر گردیده است، چه، کشورهای غربی، شهروندان افغان را اصل دسترسی به دارایی های شان در خارج از کشور محروم نموده و به مصادره نمودن آن مبادرت ورزیدند. گرسنگی و فقر همه گیر در کشور بیداد می کند، وضعیت انسانی بیش از هر زمان دیگری رقت آوریده و بیش از ۲۰ میلیون تن از شهروندان کشور با کمبود مؤاد غذایی مواجه بوده، وضعیت اجتماعی - اقتصادی در اراضی متعلق در اراضی متعلق به میهن عزیز ما نزدیک به یک فاجعه انسانی بوده، موجودیت بیکاری و افزایش سرسام آور قیمت ها، زندگی شهروندان کشور را خفقان آور نموده است.

تقریبین همه شهروندان کشور بکمرک های بشردوستانه متکی می باشند. بر بنیاد اظهارات گروه های دفاع از حقوق بشر، افغانستان بگونه جدی در شرف تجربه فاجعه انسانی می باشد.

کمبود مؤاد غذایی، تداوم زندگی در کشور را طاقت فرسا نموده و اکثریت قریب باتفاق شهروندان کشور از کمبود مسکن، آب نوشیدنی صحی، برق، مراقبت های ضعیف و کمبود و نبود شغل و کار در رنج و عذاب بسر می برند. بدلیل موجودیت فقر همه گیر و گسترده، شهروندان کشور ناگزیرند از طریق کشت و تولید مؤاد مخدر، حیات خود و اعضای خانوارهای شان را تضمین نمایند.

در مورد تحریم ها علیه حاکمیت موجود در کشور، بایست یادآور شد که پس از تصرف کابل توسط "طالب"ها، در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، شورای امنیت سازمان ملل، در مورد چگونگی موضعگیری در قبال مقامات بالفعل کشور ما با مشکل مواجه بودند. در ابتدا، اعضای شورای امنیت توافق نمودند که "طالب"ها باید منزوی و ناشناخته باقی بمانند. اما رویکرد یادشده، بیش از این، دیگر مورد اجماع نبود. بررسی های سال ۱۴۰۳ خورشیدی که به سفارش شورای انجام پذیرفت، در نوع خویش مسیری را بمنظور برسمیت شناختن "طالب"ها و در صورت تعهدات رژیم، از جمله احترام بحقوق و آزادی های بانوان کشور و پابندی بسایر تعهدات بین المللی، مسأله لغو تحریم ها مطرح گردید. اما مذاکرات و گفتگوها بین نماینده های سازمان ملل و "طالب"ها در دوحه پیشرفت اندکی داشته و بسیاری

از کشورهای عضو سازمان ملل، هنوز "طالب" ها را عمدتاً بدلیل محدودیت های سختگیرانه شان در قبال حقوق و آزادی های بانوان منفرمی پنداشتند.

اما با وجود همه اختلافات، شورا می تواند تلاش بعمل آورد تا تحریم های سازمان ملل در قبال "طالب" ها را بیش از پیش تشدید بخشد تا آنها را بسمت انجام تغییرات جزئی در چگونگی عملکردهای شان هم اگر شده، سوق دهد. قبل از چنین تصویری که اعمال تحریم ها می تواند بمثابة انگیزه ای در مذاکرات قبلی با "طالب" ها تلقی گردد. هیأت سازمان ملل در کشور ما، سال ها قبل، رویکردی را بمنظور آغاز مذاکرات بین مقام های بالفعل و طرف های خارجی پیشنهاد نموده بود که در برگیرنده مشارکت در اصلاح تحریم ها، آزادسازی دارایی های بانک مرکزی افغانستان و در صورت تداوم مبارزه با تروریسم توسط "طالب" ها، بازگرداندن نمایندگی های دیپلماتیک، بگمان اغلب بمثابة مهمترین گامی تلقی گردید باین امید که در چنین وضعیتی می توان از آنها امتیاز گرفت. حاکمان کنونی در کشور تمایل دارند تا تحریم های دوامدار را نوعی از جنگ اقتصادی پنداشته و بگونه مکرر از مقام های سازمان ملل در مورد شرایط بالقوه بمنظور لغو محدودیت ها پرسش هایی را نیز مطرح نموده اند.

اعمال تحریم ها در کشور، بر مجموع فعالیت های بشردوستانه و اقتصادی در کشور تأثیرات منفی و زیان باری بجا می گذارد. اما تحریم های ایالات متحده بگونه ای بازدارنده از تحریم های سازمان ملل پنداشته می شوند، اما تحریم های سازمان ملل، چالش هایی را نیز بزمین می آورد. در امتداد سال ۱۳۹۹ خورشیدی، شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۲۶۱۵ را تصویب نمود که بر بنیاد آن، تأمین مالی فعالیت های بشردوستانه در افغانستان، تحریم های سازمان ملل را نقض نمینماید. با اینحال، مؤسسات و نهادهای بشردوستانه، همچنان با احتیاط بکشور ما نزدیک می گردند. بخش خصوصی در مورد کشور ما تحمل ریسک پایینی دارد. هزینه نقض تحریم ها، حتاً اگر ناخواسته هم باشد، اغلب از مزایای تعامل بیشتر می باشد. نگرانی های دیگر، مانند آسیب های گلی شهرت ناشی از ارتباط با "طالب" ها و سردرگمی در مورد آنچه تحریم ها مجاز می پندارند، نیز در تصمیم گیری بمنظور عدم حضور در کشور ما با وجود وضعیت وخیم بشردوستانه نقش داشته است. همین اکنون ۷۵ درصد از شهروندان کشور ما در تأمین نیاز های روزمره گی خود با مشکل مواجه می باشند.

شورای امنیت می تواند دامنه تحریم های سازمان ملل را واضح و روشن نماید. تغییر لحن منسوخ شده، بمثابة نخستین گام پنداشته شده و در موارد دیگر، با طرح معیارهای منحصر بفردی که پس از برآورده شدن، واجد شرایط لغو تحریم ها می گردند، بخودی خود، دولت ها را در امر یادشده ترغیب می نماید.

تعیین اهداف واضح و روشن در امر مبارزه ضد تروریستی، برای مقامات کنونی کشور، بویژه در امر جلوگیری از استفاده گروهای جهادی فراملی از سرزمین و اراضی افغانستان بمثابة پایگاه عملیاتی باید در دستور کار قرار داده شود.

با ختم نوشتار حاضر و بمثابة نتیجه گیری گلی بایست خاطر نشان گردد که از نظر عملی، کاهش و یا رفع تحریم های سازمان ملل، علیه "طالب" ها تازمانی که محدودیت های ایالات متحده پابرجا باشد، تأثیرات اقتصادی محدودی در پی خواهد داشت. اما اگر اعضای قدرتمند شورا بتوانند دیدگاه های متفاوت شان را در مورد چگونگی برخورد با کابل کنار گذاشته و از یک نقشه راه مشترک بمنظور بهبودی روابط و مناسبات حمایت بعمل آورند، می تواند فرصت دیپلماتیک دیر هنگامی را برای سازمان ملل بمنظور تأثیر گذاری و مؤثریت لازم بر چگونگی مسیر قضایای کشور عزیز ما، میسر و مهیا نماید. در نهایت، بمنظور بررسی جنبه های مشکل ساز حیات شهروندان کشور، انجام اصلاحات ذیل، بویژه در فرآیندهای سیاسی کشور لازم می پنداشته می شود:

- پایه گذاری و ایجاد حاکمیت فراگیر که در برگیرنده طبقات و اقشار مختلف اجتماعی و قومی جامعه افغانی باشد؛
- احترام بحقوق اساسی بشر، بویژه احترام با آزادی ها و حقوق بانوان کشور و تضمین دسترسی آنها بآموزش، تحصیلات و اشتغال اجتماعی؛
- مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر، توقف مجازات اعدام، ممنوعیت بشلاق بستن در ملای عام؛
- احیای اقتصاد کشور و ایجاد مشاغل و...

یکشنبه ۲۱ ماه سرطان سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۱۲ ماه جولای سال ۲۰۲۶ ترسای